

مدیریت کلاس درس با رویکردی خلاق و دانش محور

بتول پرگر

کارشناسی ارشد حسابداری

چکیده

MDPI-02-2026.0452
DOI: 10.3390/2026-2-D3765E

هدف بررسی مدیریت کلاس درس با رویکردی خلاق و دانش محور و تأثیر آن بر یادگیری، خودکارآمدی و درگیری شناختی دانش آموزان با استفاده از رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شد. در بخش کیفی، با استفاده از روش مطالعه پدیدارشناسی و با انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۴ نفر از معلمان با تجربه (با بیش از ۱۵ سال سابقه) و متخصصان حوزه روان شناسی تربیتی و مدیریت آموزشی که با روش نمونه گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری انتخاب شدند، داده های مربوط به تجارب، راهبردها و مؤلفه های مدیریت خلاق و دانش محور کلاس درس جمع آوری و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و کدگذاری موضوعی تحلیل گردید. در بخش کمی، جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان پسر دوره اول متوسطه شهر اصفهان (۱۲۴۰۰ نفر) بود که از میان آنها، ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و به پرسشنامه های محقق ساخته مدیریت خلاق و دانش محور کلاس (با ۲۴ گویه و ۴ مؤلفه، ضریب پایایی ۰/۹۲)، انگیزش تحصیلی والرند و همکاران (۱۹۹۲) با ۲۸ گویه (ضریب پایایی ۰/۸۷)، خودکارآمدی تحصیلی جینگز و مورگان (۱۹۹۹) با ۱۲ گویه (ضریب پایایی ۰/۸۵) و درگیری شناختی ریو و تسنگ (۲۰۱۱) با ۶ گویه (ضریب پایایی ۰/۸۶) پاسخ دادند. تحلیل داده ها در بخش کیفی با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی و در بخش کمی با استفاده از آزمون های t تک نمونه ای، تحلیل عاملی تأییدی، ضریب همبستگی پیرسون و مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) انجام گرفت. یافته های بخش کیفی منجر به شناسایی ۴ مؤلفه اصلی برای مدیریت خلاق و دانش محور کلاس شامل انعطاف پذیری و نوآوری در روش ها، مشارکت دهی و توانمندسازی دانش آموزان، طراحی محیط یادگیری پویا و تعاملی، و ارزشیابی خلاق و فرایند محور گردید. نتایج بخش کمی نشان داد که مدیریت کلاس با رویکرد خلاق و دانش محور تأثیر مثبت و معناداری بر انگیزش تحصیلی دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت کلاس، خلاقیت، دانش محوری، انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی، درگیری شناختی

مقدمه

در عصر حاضر که با تغییرات سریع علمی، فناوری و اجتماعی مواجه هستیم، نظام های آموزشی جهان ناگزیر از بازنگری در رویکردهای سنتی مدیریت کلاس درس هستند و مدیران و معلمان، به جای



رویکردهای انضباطی، کنترل‌گرانه و یکنواخت که عمدتاً بر حفظ نظم و اطاعت دانش‌آموزان متمرکز هستند، نیازمند رویکردهای خلاق، دانش‌محور، انعطاف‌پذیر و مشارکتی هستند که بتوانند محیط‌های یادگیری پویا، حمایت‌گر و برانگیزاننده ایجاد کنند و در این میان، مدیریت کلاس با رویکرد خلاق و دانش‌محور، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت یاددهی-یادگیری، انگیزش، خودکارآمدی و درگیری شناختی دانش‌آموزان شناخته شده است و پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که کلاس‌های درسی که با رویکرد خلاق و دانش‌محور مدیریت می‌شوند، دانش‌آموزانی با انگیزه‌تر، خودکارآمدتر و عمیق‌تر درگیر در یادگیری پرورش می‌دهند (دیویس و همکاران، ۲۰۲۰؛ هوی و میسکل، ۲۰۱۷؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۲؛ کریمی و فلاح، ۱۴۰۱). با این حال، علی‌رغم اهمیت بالای این رویکرد، بررسی وضعیت موجود کلاس‌های درس ایران، به‌ویژه در دوره اول متوسطه، نشان می‌دهد که بسیاری از معلمان، به‌دلیل عواملی مانند کمبود آموزش‌های کافی، فشارهای محتوایی، باورهای سنتی و نبود الگوهای عملی، همچنان از رویکردهای سنتی و انضباطی مدیریت کلاس استفاده می‌کنند و این رویکردها، به‌تدریج باعث کاهش انگیزه، خلاقیت و مشارکت دانش‌آموزان و افزایش بی‌علاقگی، خستگی و افت عملکرد آنان می‌شوند (شریفی و صفری، ۱۴۰۰؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۲؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۱).

مدیریت کلاس با رویکرد خلاق، به معنای به‌کارگیری روش‌ها، تکنیک‌ها و راهبردهای نوآورانه، غیرروتین و مبتنی بر تفکر واگرا برای سازماندهی، هدایت و کنترل فرایند یاددهی-یادگیری است و این رویکرد، برخلاف مدیریت سنتی که بر نظم و انضباط صرف تأکید دارد، بر ایجاد محیطی پویا، انعطاف‌پذیر، مشارکتی و برانگیزاننده برای دانش‌آموزان تمرکز دارد و معلم خلاق، با بهره‌گیری از روش‌های متنوع، طراحی فعالیت‌های جذاب و چالش‌برانگیز، و ایجاد فضایی که در آن، خطا به‌عنوان فرصت یادگیری تلقی می‌شود، به پرورش خلاقیت، کنجکاوی و استقلال فکری دانش‌آموزان کمک می‌کند (استرنبرگ، ۲۰۰۳؛ گاردنر، ۲۰۱۱؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲؛ قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲).

رویکرد دانش‌محور در مدیریت کلاس، به معنای به‌کارگیری اصول و یافته‌های علوم شناختی، روان‌شناسی یادگیری و علوم تربیتی در طراحی و اجرای مدیریت کلاس است و این رویکرد، بر این اصل استوار است که مدیریت کلاس، باید بر اساس درک عمیق از نحوه یادگیری، انگیزش و رفتار دانش‌آموزان طراحی شود و از این رو، معلم دانش‌محور، با استفاده از دانش روز در حوزه روان‌شناسی تربیتی، نظریه‌های یادگیری و مدیریت کلاس، به طراحی محیط‌های یادگیری مؤثر و شخصی‌سازی‌شده



می‌پردازد و با تحلیل داده‌های رفتاری و عملکردی دانش‌آموزان، به تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و مداخلات به‌موقع می‌پردازد (هوی و میسکل، ۲۰۱۷؛ ماریانو و همکاران، ۲۰۱۶؛ صادقی و نیکبخت، ۱۴۰۱). تلفیق خلاقیت و دانش در مدیریت کلاس، می‌تواند به ایجاد یک محیط یادگیری ایده‌آل منجر شود که در آن، هم از نظر علمی و پژوهشی و هم از نظر خلاقانه و نوآورانه، بهترین شرایط برای یادگیری و رشد دانش‌آموزان فراهم شود.

انگیزش تحصیلی، به‌عنوان نیروی محرکه یادگیری، خودکارآمدی، به‌عنوان باور فرد به توانایی‌های خود برای موفقیت، و درگیری شناختی، به‌عنوان استفاده از راهبردهای یادگیری عمیق و خودتنظیمی، سه متغیر کلیدی و به‌هم‌پیوسته هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت تحصیلی و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کنند و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این سه متغیر، به‌شدت تحت تأثیر جو کلاس و سبک مدیریت معلم قرار دارند و مدیریت خلاق و دانش‌محور، با ایجاد فضای حمایت‌گر، مشارکتی و چالش‌برانگیز، می‌تواند به‌طور هم‌زمان بر هر سه متغیر تأثیر مثبت بگذارد و آن‌ها را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ بندورا، ۱۹۹۷؛ فردریکز و همکاران، ۲۰۰۴؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۱). با وجود اهمیت حیاتی مدیریت خلاق و دانش‌محور کلاس و تأثیرات عمیق آن بر متغیرهای تحصیلی، بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که با وجود برخی پژوهش‌های پراکنده، یک مطالعه جامع، نظام‌مند و مبتنی بر رویکرد ترکیبی که به‌طور هم‌زمان به شناسایی مؤلفه‌های مدیریت خلاق و دانش‌محور، بررسی تأثیر آن بر انگیزش، خودکارآمدی و درگیری شناختی، و تبیین مکانیسم‌های این تأثیرات پرداخته باشد، به‌شدت محدود است و بیشتر پژوهش‌های موجود، یا به‌طور کلی به مدیریت کلاس پرداخته‌اند و از جنبه خلاقیت و دانش‌محوری غافل شده‌اند، یا به تأثیر مدیریت بر عملکرد تحصیلی پرداخته‌اند و به متغیرهای انگیزشی و شناختی کمتر توجه کرده‌اند (کریمی و فلاح، ۱۴۰۱؛ حسینی و قاسمی، ۱۴۰۰؛ موسوی و همکاران، ۱۴۰۰). این خلأ پژوهشی، به‌ویژه با توجه به اینکه دوره اول متوسطه، یک مقطع حساس و کلیدی در شکل‌گیری هویت تحصیلی، عادات یادگیری و انگیزه دانش‌آموزان است و تجارب آنان از مدیریت کلاس در این دوره، می‌تواند تأثیرات بلندمدتی بر مسیر تحصیلی و شغلی آنان داشته باشد، به‌شدت احساس می‌شود و نیاز به پژوهشی که بتواند با رویکردی جامع و با بهره‌گیری از روش‌های کیفی و کمی، به ارائه مدلی عملی و مبتنی بر شواهد برای مدیریت خلاق و دانش‌محور کلاس بپردازد، بیش از پیش ضروری است (لیلند، ۲۰۱۹؛ دیویس و همکاران، ۲۰۲۰؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد ترکیبی

(کیفی-کمی) و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های معلمان با تجربه و متخصصان، به دنبال پاسخ به این سؤال‌های اساسی است که مؤلفه‌های اصلی مدیریت کلاس با رویکرد خلاق و دانش‌محور کدام‌اند؟ و آیا این رویکرد، به‌طور معناداری بر انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی و درگیری شناختی دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد و این تأثیر، از چه مکانیسم‌هایی اعمال می‌شود؟

چارچوب نظری

یکی از بنیادی‌ترین چارچوب‌های نظری برای تبیین مدیریت خلاق و دانش‌محور کلاس، نظریه خودتعیین‌گری (دسی و رایان، ۲۰۰۰) است که بر اساس آن، انسان‌ها دارای سه نیاز روان‌شناختی اساسی خودمختاری، شایستگی و ارتباط هستند و ارضای این نیازها، شرط اساسی برای انگیزش درونی، بهزیستی و عملکرد بهینه است و مدیریت خلاق و دانش‌محور، با فراهم‌آوردن فرصت‌هایی برای انتخاب، مشارکت و خودمختاری (از طریق فعالیت‌های متنوع و انعطاف‌پذیر)، احساس شایستگی (از طریق بازخوردهای سازنده و فرصت‌های موفقیت) و احساس ارتباط (از طریق روابط مثبت و حمایت‌گر)، می‌تواند به‌طور مستقیم به ارضای این نیازها و در نتیجه، افزایش انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی و درگیری شناختی کمک کند (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ صادقی و نیک‌بخت، ۱۴۰۱؛ کریمی و فلاح، ۱۴۰۱). نظریه شناختی-اجتماعی بندورا (۱۹۹۷) که بر اساس آن، خودکارآمدی از چهار منبع اصلی شامل تجارب عملکردی موفق، تجارب جانبی، ترغیب کلامی و حالات عاطفی-فیزیولوژیک شکل می‌گیرد، به تبیین نقش مدیریت خلاق و دانش‌محور در افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان می‌پردازد و نشان می‌دهد که این رویکرد، با فراهم‌آوردن فرصت‌های موفقیت، الگوسازی، تشویق و کاهش اضطراب، می‌تواند به‌طور قابل توجهی خودکارآمدی دانش‌آموزان را افزایش دهد (بندورا، ۱۹۹۷؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۱). نظریه درگیری تحصیلی (فردریکز و همکاران، ۲۰۰۴) که بر اساس آن، درگیری شامل سه بعد رفتاری، عاطفی و شناختی است، به تبیین نقش مدیریت خلاق و دانش‌محور در افزایش درگیری شناختی می‌پردازد و نشان می‌دهد که این رویکرد، با ایجاد محیط‌های چالش‌برانگیز، مشارکتی و حمایت‌گر، می‌تواند دانش‌آموزان را به استفاده از راهبردهای یادگیری عمیق، خودتنظیمی و تفکر انتقادی ترغیب کند و از این طریق، درگیری شناختی آنان را افزایش دهد (فردریکز و همکاران، ۲۰۰۴؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۱؛ قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲). نظریه خلاقیت در آموزش (استرنبرگ، ۲۰۰۳؛ گاردنر، ۲۰۱۱) که بر اساس آن، خلاقیت را می‌توان با ایجاد محیط‌های باز، حمایت‌گر و مبتنی بر تفکر واگرا پرورش داد، به تبیین مؤلفه‌های خلاقانه



مدیریت کلاس می‌پردازد و نشان می‌دهد که معلمان خلاق، با به‌کارگیری روش‌های نوآورانه، طراحی فعالیت‌های جذاب و تشویق به ریسک‌پذیری فکری، می‌توانند به پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان کمک کنند (استرنبرگ، ۲۰۰۳؛ گاردنر، ۲۰۱۱؛ کریمی و فلاح، ۱۴۰۱). نظریه مدیریت کلاس دانش‌محور (هوی و میسکل، ۲۰۱۷؛ ماریانو و همکاران، ۲۰۱۶) که بر اساس آن، مدیریت کلاس باید مبتنی بر دانش علمی و پژوهشی در حوزه روان‌شناسی تربیتی و مدیریت آموزشی باشد، به تبیین مؤلفه‌های دانش‌محور مدیریت کلاس می‌پردازد و نشان می‌دهد که معلمان دانش‌محور، با استفاده از نظریه‌های یادگیری، تحلیل داده‌های رفتاری و طراحی محیط‌های یادگیری مؤثر، می‌توانند به مدیریت کارآمدتر و مؤثرتر کلاس بپردازند (هوی و میسکل، ۲۰۱۷؛ ماریانو و همکاران، ۲۰۱۶؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۲). مدل مفهومی پژوهش حاضر که بر اساس تلفیق نظریه‌های فوق طراحی شده است، یک چارچوب جامع ارائه می‌دهد که در آن، مدیریت خلاق و دانش‌محور کلاس (با ۴ مؤلفه) به‌عنوان متغیر مستقل و انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی و درگیری شناختی به‌عنوان متغیرهای وابسته، و انگیزش تحصیلی و خودکارآمدی به‌عنوان متغیرهای میانجی در نظر گرفته شده‌اند و بر اساس این مدل، انتظار می‌رود که مدیریت خلاق و دانش‌محور، هم به‌طور مستقیم و هم با میانجی‌گری انگیزش تحصیلی و خودکارآمدی، بر درگیری شناختی دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معنادار بگذارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، ترکیبی (آمیخته) از نوع اکتشافی متوالی بود که در بخش کیفی از روش مطالعه پدیدارشناسی و در بخش کمی از روش توصیفی-پیمایشی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در بخش کیفی، جامعه آماری شامل معلمان با تجربه (با بیش از ۱۵ سال سابقه) و متخصصان حوزه روان‌شناسی تربیتی و مدیریت آموزشی در شهر اصفهان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری، ۲۴ نفر از آن‌ها انتخاب شدند و با آنان مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیقی (هر مصاحبه به طور متوسط ۶۵ دقیقه) در مورد تجارب، راهبردها و مؤلفه‌های مدیریت خلاق و دانش‌محور کلاس انجام شد و داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شدند و ۴ مؤلفه اصلی شناسایی شدند. در بخش کمی، جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان پسر دوره اول متوسطه شهر اصفهان (۱۲۴۰۰ نفر) بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۲۵۰ نفر از آن‌ها انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های محقق‌ساخته‌ی مدیریت خلاق و دانش‌محور کلاس) با ۲۴ گویه و ۴ مؤلفه، با $CVR = 0.88$ و $CVI = 0.91$ و ضریب

پایایی ۰/۹۲)، انگیزش تحصیلی والرند و همکاران (۱۹۹۲، با ۲۸ گویه، ضریب پایایی ۰/۸۷)، خودکارآمدی تحصیلی جینکز و مورگان (۱۹۹۹، با ۱۲ گویه، ضریب پایایی ۰/۸۵) و درگیری شناختی ریو و تسنگ (۲۰۱۱، با ۶ گویه، ضریب پایایی ۰/۸۶) با مقیاس پنج درجه ای لیکرت پاسخ دادند. تحلیل داده ها در بخش کمی با استفاده از آزمون های t تک نمونه ای، تحلیل عاملی تأییدی، ضریب همبستگی پیرسون و مدل سازی معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی (PLS) و با استفاده از نرم افزارهای SPSS و SmartPLS انجام گرفت و مفروضه های آماری بررسی و تأیید شدند.

نتایج

جدول ۱: نتایج تحلیل عاملی تأییدی و شاخص های توصیفی مؤلفه های مدیریت خلاق و دانش محور کلاس

انحراف معیار	میانگین	α	CR	AVE	بارهای عاملی (دامنه)	تعداد گویه ها	مؤلفه
۰/۶۷	۴/۴۰	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۵۹	۰/۶۸ - ۰/۸۶	۶	انعطاف پذیری و نوآوری در روش ها
۰/۶۹	۴/۳۵	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۵۷	۰/۶۶ - ۰/۸۳	۶	مشارکت دهی و توانمندسازی دانش آموزان
۰/۷۰	۴/۳۰	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۵۵	۰/۶۵ - ۰/۸۱	۶	طراحی محیط یادگیری پویا و تعاملی
۰/۷۲	۴/۲۵	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۵۳	۰/۶۳ - ۰/۷۹	۶	ارزشیابی خلاق و فرایند محور

جدول ۲: آزمون t تک نمونه ای برای بررسی تأثیر مدیریت خلاق و دانش محور بر متغیرها

فاصله اطمینان ۹۵%	تفاوت میانگین	سطح معناداری	df	t	متغیر
(۰/۷۸، ۰/۹۲)	۰/۸۵	$P > ۰/۰۰۱$	۲۴۹	۲۲/۵۶	انگیزش تحصیلی
(۰/۷۱، ۰/۸۵)	۰/۷۸	$P > ۰/۰۰۱$	۲۴۹	۲۰/۳۸	خودکارآمدی



درگیری شناختی	۲۴/۷۵	۲۴۹	$P > ۰/۰۰۱$	۰/۹۵	(۰/۸۸، ۰/۰۲)
---------------	-------	-----	-------------	------	--------------

جدول ۳: نتایج مدل سازی معادلات ساختاری و شاخص های برازش

مسیر	ضریب مسیر (β)	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
مدیریت خلاق و دانش محور → درگیری شناختی	۰/۴۲	۰/۰۶	۷/۰۰	$P > ۰/۰۰۱$
مدیریت خلاق و دانش محور → انگیزش تحصیلی	۰/۵۲	۰/۰۵	۱۰/۴۰	$P > ۰/۰۰۱$
مدیریت خلاق و دانش محور → خودکارآمدی	۰/۴۸	۰/۰۵	۹/۶۰	$P > ۰/۰۰۱$
انگیزش تحصیلی → درگیری شناختی	۰/۳۶	۰/۰۶	۶/۰۰	$P > ۰/۰۰۱$
خودکارآمدی → درگیری شناختی	۰/۳۲	۰/۰۶	۵/۳۳	$P > ۰/۰۰۱$
مدیریت → انگیزش → درگیری شناختی	۰/۱۹	۰/۰۴	۴/۷۵	$P > ۰/۰۰۱$
مدیریت → خودکارآمدی → درگیری شناختی	۰/۱۵	۰/۰۴	۳/۷۵	$P > ۰/۰۰۱$
شاخص های برازش		مقدار		سطح مطلوب
GOF		۰/۵۴		$(۰/۳۶ >)$ قوی
R^2 (درگیری شناختی)		۰/۵۰		$(۰/۲۶ >)$
R^2 (انگیزش تحصیلی)		۰/۲۷		$(۰/۱۲ >)$
R^2 (خودکارآمدی)		۰/۲۳		$(۰/۱۲ >)$
SRMR		۰/۰۵		$(۰/۰۸ <)$

NFI	۰/۹۳	۰/۹۰>
-----	------	-------

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که تمامی بارهای عاملی برای گویه‌های هر مؤلفه، بالاتر از ۰/۶۳ و معنادار هستند و مقادیر AVE، CR و آلفای کرونباخ در سطح قابل قبولی قرار دارند و بالاترین میانگین به مؤلفه انعطاف‌پذیری و نوآوری در روش‌ها (۴/۴۰) اختصاص دارد که نشان می‌دهد از دیدگاه دانش‌آموزان، مهم‌ترین مؤلفه مدیریت خلاق، انعطاف‌پذیری معلم در روش‌های تدریس و مدیریت است. جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین تمامی متغیرها به‌طور معناداری از سطح متوسط (۳) بالاتر است و بالاترین t مربوط به درگیری شناختی (۲۴/۷۵) و انگیزش تحصیلی (۲۲/۵۶) است و این، نشان‌دهنده تأثیر قوی مدیریت خلاق بر این متغیرهاست. جدول ۳ و نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که مدل از برازش بسیار مطلوبی برخوردار است ($GOF = 0.54$) و مدیریت خلاق و دانش‌محور، هم به‌طور مستقیم ($\beta = 0.42$) و هم با میانجی‌گری انگیزش تحصیلی (۰/۱۹) و خودکارآمدی (۰/۱۵) بر درگیری شناختی تأثیر مثبت و معنادار دارد و R^2 برای درگیری شناختی (۰/۵۰) نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از تغییرات درگیری شناختی توسط مدیریت خلاق و متغیرهای میانجی تبیین می‌شود.

بحث

یافته‌های پژوهش حاضر به‌طور جامع نشان داد که مدیریت کلاس با رویکرد خلاق و دانش‌محور، تأثیر مثبت، معنادار و قوی بر انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی و درگیری شناختی دانش‌آموزان دارد و این رویکرد، با فراهم‌آوردن فضای پویا، مشارکتی، نوآورانه و مبتنی بر دانش، می‌تواند به‌طور قابل توجهی انگیزه، اعتمادبه‌نفس و درگیری عمیق دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری افزایش دهد و این یافته، با تمامی چارچوب‌های نظری از جمله نظریه خودتعیین‌گری (دسی و رایان، ۲۰۰۰)، نظریه شناختی-اجتماعی (بندورا، ۱۹۹۷) و نظریه درگیری تحصیلی (فردریکز و همکاران، ۲۰۰۴) همخوانی کامل دارد و نشان می‌دهد که مدیریت خلاق و دانش‌محور، با ارضای نیازهای روان‌شناختی و فراهم‌آوردن بسترهای شناختی و انگیزشی، می‌تواند به پرورش یادگیرندگان خودانگیزه، خودکارآمد و عمیقاً درگیر در یادگیری کمک کند (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ بندورا، ۱۹۹۷؛ فردریکز و همکاران، ۲۰۰۴؛ کریمی و فلاح، ۱۴۰۱؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۲). بالاترین میانگین در بین مؤلفه‌های مدیریت خلاق، به انعطاف‌پذیری و نوآوری در روش‌ها (۴/۴۰) اختصاص دارد که نشان می‌دهد دانش‌آموزان، بیش از هر چیز، از معلمانی استقبال می‌کنند که در روش‌های تدریس و مدیریت خود، انعطاف‌پذیر و نوآور هستند و



از روش های کلیشه ای و تکراری اجتناب می کنند و این، با نظریه خلاقیت در آموزش که بر اهمیت تنوع، نوآوری و تفکر واگرا در تدریس تأکید دارد، کاملاً سازگار است (استرنبرگ، ۲۰۰۳؛ گاردنر، ۲۰۱۱؛ رضایی و همکاران، ۱۴۰۱). در بین متغیرهای وابسته، درگیری شناختی (با میانگین بالاتر و تفاوت بیشتر از سطح متوسط) بیشترین تأثیر را از مدیریت خلاق پذیرفته است که نشان می دهد این رویکرد، بیش از هر چیز، به دانش آموزان کمک می کند تا از راهبردهای یادگیری عمیق، تفکر انتقادی و خودتنظیمی استفاده کنند و این، دقیقاً همان هدف غایی آموزش در عصر اطلاعات است که به دنبال پرورش یادگیرندگانی مستقل، تحلیل گر و خلاق است (فردریکز و همکاران، ۲۰۰۴؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۱؛ قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲). همبستگی مثبت و معنادار بین مدیریت خلاق و دانش محور با انگیزش تحصیلی ($r = 0.52$ ، خودکارآمدی ($r = 0.48$ و درگیری شناختی ($r = 0.54$) و قدرت تبیین ۵۰ درصدی مدل برای درگیری شناختی، نشان دهنده اهمیت بسیار بالای این رویکرد مدیریتی در ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری است و این یافته، با پژوهش های پیشین که به بررسی تأثیر مدیریت کلاس بر متغیرهای تحصیلی پرداخته اند، همخوانی کامل دارد (دیویس و همکاران، ۲۰۲۰؛ هوی و میسکل، ۲۰۱۷؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲). نقش میانجی انگیزش تحصیلی (0.19) و خودکارآمدی (0.15) در رابطه بین مدیریت خلاق و درگیری شناختی، یکی از مهم ترین یافته های این پژوهش است که نشان می دهد مدیریت خلاق و دانش محور، از طریق افزایش انگیزه و اعتماد به نفس دانش آموزان، به طور غیرمستقیم نیز به افزایش درگیری شناختی آنان کمک می کند و این، تأکید بر این نکته دارد که مدیریت خلاق، یک رویکرد چندبعدی است که با تأثیرگذاری بر لایه های انگیزشی و عاطفی، به تغییرات عمیق تر شناختی منجر می شود (فولان، ۲۰۱۷؛ هارگریوز، ۲۰۲۰؛ عباسی و همکاران، ۱۴۰۲). بنابراین، مدیریت کلاس با رویکرد خلاق و دانش محور، یک راهبرد اساسی و حیاتی برای ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری در مدارس است که می تواند به پرورش نسلی از یادگیرندگان خودانگیخته، خودکارآمد و عمیقاً درگیر در یادگیری کمک کند.

پیشنهادهای پژوهش

بر اساس یافته های پژوهش، به سیاست گذاران و برنامه ریزان آموزشی توصیه می شود که با بازنگری در برنامه های تربیت معلم و گنجاندن درس ها و کارگاه های عملی در زمینه مدیریت خلاق و دانش محور کلاس، معلمان را با این رویکرد آشنا کنند و با تدوین راهنماهای عملی و ارائه الگوهای موفق، به آنان در پیاده سازی این رویکرد در کلاس کمک کنند. به دانشگاه های فرهنگیان و مراکز تربیت معلم توصیه



می‌شود که با رویکردهای مبتنی بر پژوهش و کارورزی، به پرورش معلمان خلاق، دانش‌محور و توانمند در مدیریت کلاس بپردازند و با فراهم‌آوردن فرصت‌های مشاهده، تحلیل و بازخورد، به توسعه مهارت‌های مدیریت خلاق در دانشجو-معلمان کمک کنند. به مدیران مدارس توصیه می‌شود که با ایجاد فرهنگ نوآوری و خلاقیت، معلمان را به به‌کارگیری رویکردهای خلاقانه در مدیریت کلاس تشویق کنند و با برگزاری جلسات هم‌اندیشی، کارگاه‌های درون‌مدرسه‌ای و به اشتراک‌گذاری تجارب موفق، به انتقال دانش و مهارت بین معلمان کمک کنند و با فراهم‌آوردن امکانات و منابع لازم (مانند تجهیزات تعاملی، فضای فیزیکی مناسب و منابع آموزشی متنوع)، به پیاده‌سازی مدیریت خلاق و دانش‌محور در مدارس کمک کنند. به معلمان توصیه می‌شود که با خودآگاهی و بازاندیشی در روش‌های مدیریت کلاس خود، به‌تدریج رویکردهای خلاق و دانش‌محور را جایگزین روش‌های سنتی کنند و با ایجاد فضایی پویا، مشارکتی، حمایت‌گر و مبتنی بر احترام، به افزایش انگیزه، خودکارآمدی و درگیری شناختی دانش‌آموزان کمک کنند و با به‌کارگیری روش‌های نوآورانه، ارزشیابی خلاق و طراحی محیط‌های یادگیری تعاملی، به پرورش خلاقیت و استقلال فکری دانش‌آموزان بپردازند. به پژوهشگران نیز توصیه می‌شود که در پژوهش‌های آینده، به بررسی تأثیر مدیریت خلاق و دانش‌محور بر متغیرهای دیگری مانند خلاقیت، تاب‌آوری تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان بپردازند و با استفاده از روش‌های طولی و مداخله‌ای، به بررسی ماندگاری تأثیرات این رویکرد بر متغیرهای تحصیلی و روان‌شناختی در طول زمان بپردازند و همچنین، به طراحی و اعتباریابی مدل‌های عملی برای پیاده‌سازی مدیریت خلاق و دانش‌محور در مدارس با رویکردهای بومی و مبتنی بر فرهنگ ایرانی کمک نمایند.

منابع

- حسینی، س.، کریمی، ر.، و صادقی، م. (۱۴۰۲). مدیریت خلاق کلاس درس: مرور نظام‌مند و ارائه مدل مفهومی. *مجله مدیریت آموزشی*، ۱۵(۲)، ۴۵-۶۷.
- جعفری، ن.، رضایی، ف.، و محمدی، ع. (۱۴۰۱). تأثیر مدیریت کلاس بر درگیری شناختی دانش‌آموزان. *فصلنامه روان‌شناسی مدرسه*، ۱۴(۳)، ۸۹-۱۰۸.
- رضایی، ع.، کریمی، س.، و موسوی، ن. (۱۴۰۱). مدیریت دانش‌محور کلاس و نقش آن در خودکارآمدی تحصیلی. *مجله پژوهش‌های روانشناختی*، ۲۶(۴)، ۱۳۴-۱۵۳.
- صادقی، م.، نیک‌بخت، ع.، و رحیمی، ح. (۱۴۰۱). نظریه خودتعیین‌گری و کاربردهای آن در مدیریت کلاس. *فصلنامه مدیریت مدرسه*، ۱۵(۱)، ۴۵-۶۴.
- قاسمی، ن.، نوروزی، د.، و کریمی، ر. (۱۴۰۲). محیط یادگیری پویا و تعاملی و تأثیر آن بر انگیزش تحصیلی. *مجله روان‌شناسی تربیتی*، ۱۹(۳)، ۱۱۲-۱۳۱.
- کریمی، ر.، رضایی، ع.، و حسینی، س. (۱۴۰۲). ارزشیابی خلاق و فرایندمحور و نقش آن در درگیری شناختی. *فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱۶(۲)، ۷۸-۹۷.
- کریمی، ر.، فلاح، م.، و صادقی، ن. (۱۴۰۱). رویکردهای خلاقانه در مدیریت کلاس درس. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ۱۲(۳)، ۱۲۳-۱۴۲.
- موسوی، ر.، مرادی، ع.، و کاظمی، س. (۱۴۰۰). مشارکت‌دهی و توانمندسازی دانش‌آموزان در مدیریت کلاس. *مجله پژوهش‌های روانشناختی*، ۲۵(۲)، ۶۷-۸۶.
- شریفی، پ.، صفری، ع.، و حسینی، م. (۱۴۰۰). چالش‌های مدیریت خلاق کلاس در مدارس ایران. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۲۰(۴)، ۳۴-۵۶.
- عباسی، م.، حسینی، س.، و کریمی، ر. (۱۴۰۲). مدیریت کلاس دانش‌محور و نقش آن در یادگیری عمیق. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۲۰(۴)، ۹۰-۱۰۹.
- کریمی، ر.، صادقی، م.، و حسینی، س. (۱۴۰۰). انعطاف‌پذیری و نوآوری در روش‌های مدیریت کلاس. *مجله علوم تربیتی*، ۳۰(۱)، ۵۶-۷۴.



زارع، ح.، کریمی، ی.، و حسینی، م. (۱۴۰۲). طراحی محیط یادگیری پویا و تأثیر آن بر انگیزش. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۹(۲)، ۴۴-۴۵.

Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. Freeman.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-268.

Davis, J. R., & Davis, H. R. (2020). *Creative classroom management: A comprehensive approach*. Routledge.

Fredricks, J. A., Blumenfeld, P. C., & Paris, A. H. (2004). School engagement: Potential of the concept, state of the evidence. *Review of Educational Research*, 74(1), 59-109.

Hoy, W. K., & Miskel, C. G. (2017). *Educational administration: Theory, research, and practice* (9th ed.). McGraw-Hill.

Marzano, R. J., & Marzano, J. S. (2016). *Classroom management that works: Research-based strategies for every teacher*. ASCD.